



مفسر عالیقدر

محمد جواد

مغنیه

و آثار او

شهاب کاظمی

ترجمه زندگانی مرحوم «محمد جواد مغنیه» در کتب تراجم، آن چنان که شایسته شأن و منزلت این شخصیت بزرگ است، ذکر نشده است. لذا این امر باعث گمنامی ایشان در بین عامه مسلمانان و در بعضی مواقع در بین علما گردیده است.

«شیخ محمد جواد مغنیه»، در سال ۱۳۲۲ هـ. ق در خانواده آل مغنیه که به فضل و دانش شهرت دارند، در قریه «طیردبا» از قراء جبل عامل به دنیا آمد. ^۱ وی سال های اولیه عمر خود را در همان روستا سپری کرد و سپس دروس مقدماتی را نزد شیوخ آن دیار فرا گرفت. از آنجا که حوزه علمیه نجف اشرف را مأمن مناسبی برای بحث و تحقیقات علمی خود یافت بدان جا مهاجرت کرد و از محضر پر فیض اساتید و دانشمندان بزرگی از جمله «سید حسین الحمامی» که در عصر خود از علمای برجسته نجف به شمار می رفت کسب فیض کرد. ^۲

«مرحوم مغنیه»، پس از مدتی به جبل عامل باز گشت و در قریه خود به پژوهش، تحقیق و تدریس علوم دینی پرداخت. تا اینکه به عنوان حاکم شرع در بیروت تعیین شد، سپس سمت مشاورت عالی محکمه شرعی را بر عهده گرفت و در این پست مشغول انجام وظیفه شد.

«مرحوم مغنیه»، در سال های آخر عمر خود جهت کسب علم و تدریس در حوزه علمیه قم به

ایران مهاجرت کرد و چند سال نیز در آنجا به تحقیق، پژوهش و تدریس علوم حوزوی از جمله تفسیر قرآن پرداخت که حاصل تلاش های او دهها اثر ارزشمند در زمینه های مختلف علوم اسلامی است. سپس بعد از مدتی مجدداً به بیروت بازگشت و پس از سالیان متمادی تلاش و کوشش و خدمت به غنی کردن فرهنگ پر بار اسلام، در نهایت، در ماه محرم سال ۱۴۰۰ هـ. ق در همان جا، ندای حق را لیک گفت و پیکر مطهرش جهت تدفین در جوار مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به نجف اشرف انتقال یافت و در همان جا به خاک سپرده شد.^۳

ابعاد علمی استاد محمد جواد مغنیه

«استاد مغنیه»، از معدود مفسرانی است، که موفق به تألیف دو تفسیر ارزشمند بر قرآن کریم شده است. اولین اثر تفسیری ایشان بر قرآن کریم تحت عنوان «الكاشف فی تفسیر القرآن الکریم» می باشد که در هفت مجلد در بیروت به طبع رسیده است. مفسر در این تفسیر، از مجموع روش های تفسیری بهره جسته است. گاهی در تفسیر آیه ای به مصداق «ینطق بعضه ببعض و يشهد بعضه علی بعض»^۴ به آیات دیگر مراجعه کرده و با کمک روش تفسیر قرآن به قرآن، آیه را تفسیر نموده است و در پاره ای از موارد نیز به خوشه چینی از خرمن پر فیض نبوی پرداخته و در تفسیر خود به احادیث مروی از ایشان و ائمه اطهار (علیهم السلام) استناد کرده و به تفسیر خود جنبه روایی بخشیده است و گاهی نیز در روش خود با اعتماد به تدبیر و تفکر در مضامین آیات به اجتهاد پرداخته، نظرات خود را پیرامون آیه اعلام داشته که گویی این تفسیر یک تفسیر اجتهادی-عقلی می باشد.

همان طور که صاحب اعیان الشیعه می گوید، مرحوم مغنیه با کناره گیری از فعالیت های قضایی، به تألیف، پژوهش و تحقیق می پردازد،^۵ که آثار فقهی ایشان گواه بر این مدعا است. مفسر گران قدر، اولین اثر فقهی خود را تحت عنوان «فقه الامام جعفر الصادق (علیه السلام)» در شش مجلد تدوین می کند، علاوه بر آن تألیفات دیگر ایشان از جمله: «علم اصول الفقه»، «الفقه علی المذاهب الخمسه» و «الحج علی مختلف المذاهب» روشنگر راه هر محققى در این وادی است.

وی با عنایت به نقش ارزش های اخلاقی در پیشرفت جوامع اسلامی اقدام به تألیف کتابی در همین زمینه تحت عنوان «ارزش های اخلاقی در فقه امام صادق (علیه السلام)» می نماید که توسط آقای دکتر سید محمد رادمنش به فارسی ترجمه شده است.

از دیگر ابعاد علمی مرحوم مغنیه، بُعد کلامی و فلسفی ایشان است. وی بر اساس اعتقاد راسخ خود نسبت به مسایل کلامی و احساس مسئولیتی که در این زمینه می کند، ابتدا به بررسی مسایل توحید و اثبات وجود خداوند و صفات او و اثبات نبوت حضرت خاتم الانبیاء (علیه السلام) پرداخته و در این زمینه علاوه بر مسایل کلامی که در هر دو تفسیر خود بدانها اشاره کرده است، کتابی را تحت

عنوان «فلسفة التوحيد والنبوة» به نگارش در آورده است. گر چه این کتاب از حجم کمی بر خوردار است اما مسایل توحيد و نبوت را با استناد به دلائل عقلی و آیات قرآن به اثبات رسانیده است.

از آثار تألیفی ایشان نیز می توان از کتاب «فلسفة المبدأ والمعاد» و «الشیعة والتشیع» یاد کرد، اما در عین حال از کتاب های «فلسفة الولاية»، «مع الشیعة الامامية» و «هذا هی الوهابية» ایشان که به مسایل امامت و ولایت از دیدگاه کلامی شیعی پرداخته است، نمی توان غافل ماند و با انتشار کتاب های از جمله: «الاثنی عشریة و اهل البیت»، «اهل البیت و منزلتهم» و «فضائل الامام علی علیه السلام»، به دفاع از ائمه اطهار علیهم السلام و اثبات حقانیت آنها پرداخته است.

مرحوم مغنیه، علاوه بر آثار یاد شده با تألیف دو کتاب ارزشمند: «معالم الفلسفة الاسلامیة» و «الاسلام والعقل» خلاقیت و شایستگی خود را در مسایل فلسفی، به ویژه فلسفه اسلامی به منصفه ظهور رسانده است. همچنین از تألیفات دیگر مفسر از جمله: «اسرائیلیات [تفسیر] القرآن»، «فی ظلال نهج البلاغه»، «فلسفة الاخلاق فی الاسلام»، «علی و قرآن»، «الاسلام مع الحیاة» و «الآخرة والعقل» را می توان نام برد.

آشنایی با تفسیر المبین و روش مفسر

استاد مغنیه، پس از آنکه تفسیر «الکاشف» را به رشته تحریر در آوردند با عنایت به اهمیت نسل جوان و آگاهی از نقش آنان از آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون در پیشرفت اسلام، مصمم گردید تفسیری بر قرآن با قلمی روان و مستند و در عین حال به طور موجز و مختصر که مورد پسند جوانان باشد تحت عنوان «التفسیر المبین» به نگارش در آورد. این تفسیر، هم از نظر محتوا و هم از نظر سبک نگارش، یکی از تفاسیر بدیع امامیه در قرن اخیر به شمار می رود.

استاد جعفر سبحانی پس از آنکه مرحوم مغنیه را از جمله مفسران بزرگ معاصر شیعی به شمار می آورد و از تفاسیر او یاد می کند، در معرفی تفسیر «المبین» به موجز بودن و مورد پسند واقع شدن آن از طرف جوانان اشاره می کند.^۶

از ویژگی های این تفسیر، اختصار و حذف زوائد تفسیری و مطالب غیر ضروری است که مفسر در این باب کوشیده است که غالباً مطالب را در قالب عبارات موجز و کوتاه و با نثر عربی روان و رسا، به دور از غموض ادبی و فنی به خوبی بیان نماید. بدین جهت نشر این تفسیر برای هر محقق که تا اندازه ای با ادبیات عرب آشنا باشد قابل استفاده است.

وی ابتدا با استناد به آیه «ان هو الا ذکر و قرآن مبین» (یس، ۳۶/۶۹) تفسیر خود را به نام «التفسیر المبین» نام گذاری کرده است. این تفسیر در یک مجلد و ۸۲۷ صفحه در بیروت بارها به چاپ رسیده است.

مفسّر در این تفسیر ابتدا در صدر هر سوره به بحث مکی و مدنی بودن آن پرداخته و بدین وسیله توجه محقق را در آغاز، به سبک و روش و اسلوب آیات که در مکه نازل شده یا در مدینه، معطوف می‌دارد، و تعداد آیات هر سوره را بیان می‌کند. سپس در استنباط، کشف و تبیین مفاهیم تفسیری آیات، از انواع روش‌های تفسیری سود برده است. گاهی از روش «تفسیر قرآن به قرآن» و استخراج معانی آیات به کمک آیات مشابه که سیاق آنها یکسان یا نزدیک به هم است استفاده کرده و یا آیات را به هم ارجاع می‌دهد. به عنوان نمونه در تفسیر آیه «و امرهم شوری بینهم» (شوری، ۳۸/۴۲) پس از ارجاع آن به آیه «وشاورهم فی الامر» (آل عمران، ۱۵۹/۳) بیان می‌دارد:

«مراد از امر» در این آیه، عملی است که هر گاه نصی از قرآن در مورد آن وارد نشده بود، پیامبر ﷺ در آن مورد با صحابه مشورت می‌کرد. مثل مشورت آن حضرت با صحابه در امور نظامی و غیره».^۷

گاهی نیز در تفسیر، با اعتماد به تدبّر و عقل توأم با تقدیر به روایات تفسیری مروی از معصومین علیهم‌السلام، به تفسیر اجتهادی آیات می‌پردازد. به عنوان نمونه در تفسیر آیه «قل هو الله احد» (اخلاص، ۱/۱۱۲) پس از بیان تقریر فلاسفه در باره واحد بودن خالق و مبدأ اول برای وجود و هستی، بیان می‌دارد:

«وحدة النظام و التدبیر تدل علی وحدة المنظم و المدبر و ایضاً يستحيل أن يكون للعالم إلهان لأنه لا يخلو من احد فرضين: إما أن يكون كل منهما قادر علی خلق الكون مستقلاً و من دون معين و شريك و إما أن يكون عاجزاً عن ذلك الا بمعین و شريك و علی الفرض الاول يكون وجود احدهما كعدمه و لزوم ما لا يلزم و علی الثاني يكون فقير أو ضعيفاً و تعالی رب العالمين عن هذا و ذاك، فتعين التوحيد و نفی الشريك و المثيل».^۸

همچنین از آنجا که تفسیر نقلی را می‌توان به عنوان اصیل‌ترین شکل تفسیر و ریشه دارترین طریق درک معانی و معارف آیات قرآن در میان دانشمندان اولیه علوم اسلامی به شمار آورد^۹، مرحوم مغنیه در بعضی از مواقع برای تفسیر آیات به سلسله احادیث و روایات تفسیری که از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در باره تفسیر قرآن وارد شده استناد کرده است و کم تر صفحه‌ای را می‌توان یافت که به گونه‌ای استشهاد به روایت و استناد به منبع روایی در آن دیده نشود، که نمونه آن در تفسیر آیه «و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستأخرین» (حجر، ۲۴/۱۵) می‌توان دید که مفسّر به بیان علی علیه‌السلام در نهج البلاغه استناد کرده و می‌نویسد: تفسیر این آیه را در نهج البلاغه یافتیم.^{۱۰} آنجا که می‌فرماید:

«علمه تعالی بالاموات الماضین كعلمه بالأحیاء الباقین و علمه بما فی السموات العلی و كعلمه بما فی الارضین السفلی».

بنابراین مرحوم مغنیه در تفسیر المبین از روش های مختلف تفسیر قرآن استفاده کرده و از بکارگیری یک روش خود داری کرده است، لذا این تفسیر دارای مزایای مختلف تفسیری قرآن می باشد.

منابع و مصادر تفسیر المبین

استناد به منابع و متونی که در طول قرون متمادی دارای اعتبار و ارزش فراوان بوده و مفسران جهت تأیید آرا و روش های تفسیری خود بدانها تمسک کرده اند، بیانگر اهمیت و ارزش آن منابع است. لذا مفسر معاصر «استاد محمد جواد مغنیه» در تفسیر آیات قرآن از آن منابع و متون بهره های فراوان برده و گاه در مقام تأیید آرای تفسیری خود، بدانها استناد کرده و گاه در مقام نقد و بررسی، در بعضی مواقع به رد آنها پرداخته است. بنابراین آشنایی اجمالی با منابع مورد استفاده، خود گویای روش و آرای تفسیری مفسر در «المبین» می باشد، که به اختصار به بیان آن منابع می پردازیم.

الف) منابع تفسیری المبین

مرحوم مغنیه در تفسیر خود به منابع مهم تفسیری متقدمان و متأخران اعم از منابع خاصه و عامه استناد کرده، در تفسیر بعضی از آیات به تجزیه و تحلیل آرای یک مفسر پرداخته و در تفسیر بعضی دیگر، در بیان معانی آیات، از آنها کمک گرفته است. نکته جالب توجه این است که مفسر، از منابع تفسیری عامه بیش از منابع تفسیری امامیه استفاده کرده است که این امر نشانه وسعت دید و دور بودن او از تعصب و بیانگر تفکر روشن او است. بنابراین در این بخش از کلام ابتدا به ذکر نمونه هایی از مهم ترین تفاسیر امامیه، سپس به بیان تفاسیر مهم عامه که از آنها در «المبین» استفاده شده است خواهیم پرداخت.

۱. تفسیر جوامع الجامع: «مرحوم مغنیه» در تفسیر خود به طور مکرر از این تفسیر استفاده کرده و گاهی در مقام مقایسه آرای تفسیری مرحوم طبرسی در جوامع الجامع با سایر منابع بر آمده است. به عنوان مثال در بخشی از آیه ۳۶ سوره آل عمران که می فرماید: «و انی سمیثها مریم» در جوامع الجامع آمده است: «مریم» در زبان عرب یعنی زن عابده، اما در قاموس کتاب مقدس آمده است که «مریم» اسمی عبری است که به معنی «عصیان» می باشد.^{۱۱}

همچنین در آیه ۹۱ سوره انعام که می فرماید: «قل من انزل الكتاب الذی جاء به موسی» شیخ طبرسی می گوید: یهود به طور کلی نزول کتاب از آسمان را به خاطر مبالغه در انکار نزول قرآن رد کردند اما بعد از آن ناچار شدند به خاطر نزول تورات اقرار کنند که کتابی از آسمان نازل شده است.^{۱۲} پس از آن مرحوم مغنیه در ذیل این آیه در مقام تأیید نظر شیخ طبرسی می گوید: این تفسیر

نزدیک ترین و صحیح ترین تفسیر است زیرا یهود اعتقاد داشت که نبوت تنها هدیه ای است از طرف خدا برای آنان ، تا آنجا که گفتند، خداوند نیز تنها به آنان اختصاص دارد. ۱۳

۲. تفسیر مجمع البیان: تفسیر مجمع البیان از بهترین تفاسیر قرآن و با عظمت ترین آن پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی در نزد امامیه به شمار می رود. این تفسیر از اهم منابع مفسر می باشد که بیشترین بهره را از آن برده است و علاوه بر آرای تفسیری در بعضی از لغات، مفردات، موارد نحوی و اعراب نیز مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین جهت تأیید آرای تفسیری خود از روایات و احادیثی که در مجمع البیان آمده است بهره برده است. به عنوان نمونه از قول مجمع البیان ذیل آیه ۲۰ سوره مزمل که می فرماید: «فاقرؤوا ما تیسر من القرآن» آمده است: منظور از «قراءة» در اینجا نماز شب است که یازده رکعت بوده و زمان آن بعد از نیمه شب می باشد. همچنین در آیه ۶۰ سوره رحمن که می فرماید: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان» مفسر به نقل از صاحب مجمع البیان نقل می کند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: این آیه در باره کافر و مؤمن و نیکو کار و فاجر جاری است.

۳. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابن جریر طبری: از آنجا که تفسیر جامع البیان از قدیمی ترین تفاسیر مأثور است، صاحب المبین بسیاری از اقوال منسوب به صحابه و تابعان و روایات اسباب نزول و غیره را از آن استخراج کرده و بدانها استناد کرده است. در برخی موارد به نقد پرداخته و با دلایل مستند آنها را نمی پذیرد و در بعضی موارد دیگر جهت تأیید نظریه خود آنها را مورد استفاده قرار می دهد. به عنوان نمونه در سبب نزول آیه ۱۱۳ سوره توبه که می فرماید: «ما كان للنبي والذين امنوا ان يستغفروا للمشركين ولو كانوا اولي قربي من بعد ما تبين لهم انهم اصحاب الجحيم» در تفسیر جامع البیان آمده است: گروهی از مؤمنان گفتند برای مردگانمان طلب مغفرت کنیم پس این آیه نازل شد؛ و گفته شده است که این آیه در باره ابی طالب نازل گردیده است زیرا او بر غیر اسلام از دنیا رفت. ۱۴

مرحوم مغنیه پس از بیان این قول، به نقد آن پرداخته و با دلایل مستندی در مقام رد آن برآمده، می گوید: طبق گفته ابن سعد: (طبقات، ۱/۱۲۳، چاپ ۱۹۵۷) وقتی که ابوطالب از دنیا رفت پیامبر صلی الله علیه و آله گریست و برای او از خدا طلب مغفرت و آمرزش کرد و به علی علیه السلام دستور داد که او را غسل دهد و کفن نماید و در سیره حلبیه، ۱/۴۶۷، باب وفات ابی طالب آمده است که: وقتی علی علیه السلام مرگ پدرش را به پیامبر اطلاع داد، پیامبر گریست و به علی علیه السلام فرمود: برو او را غسل و کفن نما، خداوند او را بیامرزد و در سیره ابن هشام/ ۲۴۷، بخش اول، چاپ ۱۹۵۵ آمده است که ابوطالب به پسرش علی علیه السلام گفت: محمد تو را نمی خواند مگر در آنچه که خیر است پس او را اطاعت کن. ۱۵ سپس از این مطالب نتیجه می گیرد که معنی اسلام چیزی غیر از اعتراف به نبوت محمد صلی الله علیه و آله که واجب است از آن اطاعت و پیروی شود نیست پس این ادعا که ابوطالب به غیر از دین

اسلام از دنیا رفته است هیچ گونه سندی ندارد.

۴. الدرّ المثور فی التفسیر بالمأثور، سیوطی: با عنایت به این که تفسیر الدرّ المثور یکی از منابع مهم تفسیر روایی به شمار می رود، صاحب المبین از روایات آن نهایت استفاده را به عمل آورده است. در شأن نزول آیه ۱۹ سوره توبه: «أجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الآخر وجاهد فی سبیل الله لا یستون عندالله والله لا ینهدی القوم الظالمین» در تفسیر الدرّ المثور آمده است که عباس بن عبدالمطلب در ایام حج سقایت حجاج می کرد و طلحه بن شیبۀ پرده دار کعبه بود، پس طلحه گفت: من پرده دار کعبه هستم و کلید آن با من است و عباس گفت: من سقایت حجاج را می کنم؛ و بدین وسیله به هم تفاخر می کردند، پس علی بن ابیطالب رضی الله عنه فرمود: چه می گوئید من شش ماه قبل از مردم رو به قبله نماز گزاردم و نیز در میدان های جنگ جهاد کردم. آن گاه خدا این آیه را در پی این واقعه نازل فرمود. ^{۱۶} المبین عیناً این را از الدرّ المثور آورده است.

۵. تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی: از آنجا که روش اجتهادی این تفسیر بر سایر روش های تفسیری غلبه دارد و مسایل کلامی را از جنبه عقلی مورد بررسی قرار داده است. مفسر المبین از آن نظرات بهره مند شده است و گاهی نیز برای تأیید تفسیر خود علاقه مند آن را به تفسیر مفاتیح الغیب ارجاع داده است که به عنوان نمونه به دو مورد از آرای تفسیری فخر رازی اشاره می کنیم. مرحوم مغنیه در ذیل آیه ۲۴ سوره نساء که می فرماید: «فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضة» محقق را جهت تحقیق بیشتر به تفسیر مفاتیح الغیب ارجاع داده و به طور خلاصه می گوید: «فخر رازی گفته است منظور از این آیه حکم جواز متعه است، مفسران اتفاق نظر دارند که آن در ابتدای اسلام مباح بوده، سپس به قولی از «عمران بن حصین» استناد کرده که او گفت آیه متعه در قرآن نازل شد و آیه ای که آن را نسخ نماید نازل نگردید». ^{۱۷}

همچنین مفسر به روایتی که در تفسیر فخر رازی از قول امام صادق رضی الله عنه در باره آیه «طه» وارد شده است. اشاره کرده، بیان می دارد که امام صادق رضی الله عنه فرمود: همانا «طه» طهارت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و «هاء» هدایت آنان؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رب البیت و پدر اهل بیت می باشد. ^{۱۸}

علاوه بر تفاسیری که بدانها پرداختیم، مفسر از تفاسیر متعدد دیگری استفاده کرده است که جهت پرهیز از اطالة کلام به ذکر نام آنها اکتفا می کنیم. این تفاسیر عبارت اند از: ۱. احکام القرآن، ابوبکر معافری مالکی ۲. احکام القرآن، قاضی مالکی معروف به ابن عربی ۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیضاوی ۴. تفسیر بحرالمحیط، ابن حیان ۵. تفسیر آل الرحمن، بلاغی ۶. تسهیل، محمد بن احمد کلبی ۷. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی ۸. تفسیر کشاف، زمخشری ۹. تفسیر شیخ عبدالقادر مغربی ۱۰. تفسیر المنار، رشید رضا ۱۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن

العزیز، علی بن حسین بن محی الدین عاملی .

ب) منابع روایی و حدیثی تفسیر المبین

مفسر در مباحث روایی خود، روایات بسیاری را از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ به ویژه علی ﷺ و امام صادق ﷺ و صحابه و تابعان نقل کرده است و برکت حدیثی فریقین استناد کرده است که در اینجا تنها به ذکر آن منابع اکتفا می کنیم: ۱. نهج البلاغه ۲. صحیفه سجادیه ۳. اصول کافی، شیخ کلینی ۴. جامع ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، م ۲۷۹ هـ ۵. سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث بن اسحق سجستانی، م ۲۷۵ هـ ۶. سنن نسایی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب، م ۳۰۳ هـ ۷. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه قزوینی، م ۲۷۳ هـ ۸. سفینه البحار، محدث قمی ۹. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، م ۲۵۶ هـ ۱۰. صحیح مسلم، ابو الحسن مسلم بن حجاج قشیری، م ۲۶۱ هـ ۱۱. فضائل الخمسه من الصحاح الستة، فیروزآبادی ۱۲. مسند امام احمد بن حنبل، م ۲۴۱ هـ .

ج) منابع لغوی تفسیر المبین

آشکار است که بحث اعراب و توضیح مفردات، همزمان با دیگر مباحث، در تفسیر و روشن ساختن معانی آیات نقش اساسی دارد. بنابراین از دیگر ویژگی های این تفسیر می توان به شرح و توضیح قواعد، قرائت، لغت، اعراب و غیره اشاره کرد.

مرحوم مغنیه هر چند به اعراب تمام آیات و شرح مفردات آن پرداخته است اما از آغاز تا انجام تفسیر، به اعراب و شرح مفردات به طور پراکنده پرداخته است که در اینجا به مهم ترین منابع لغوی آن اشاره می شود. این منابع عبارت اند از: الف) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ب) مجمع البحرین، طریحی، ج) المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، د) قاموس المحيط، فیروزآبادی .

د) کتب عهدین والمبین

مفسر در پاره ای از موارد از متون کتب مقدسه اعم از کتب عهد قدیم و عهد جدید به خاطر مقارن بودن با نصوص قرآنی بهره برده است و در برخی موارد هم در مقام نقد و بررسی بر آمده ، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است که در اینجا به چند مورد از آن اشاره می رود:

در آیه ۷۷ سوره صافات آمده است: «و جعلنا ذریته هم الباقین» مفسر ذیل این آیه می گوید: در قاموس کتاب مقدس آمده است که تمام مردم پس از طوفان نوح سه دسته شدند:

الف) سام، که عرب و آرامیان و آشوریان و یهود از نسل او هستند، ب) یافث، که فرزندان او در جنوب غربی بحر قزوین و دریای سیاه ساکن شدند، ج) حام که ظاهراً سیاهان از نسل او می باشند. ۱۹

همچنین در ذیل آیه ۶۵ سوره اعراف می گوید: در قاموس کتاب مقدس آمده است که هود، اسمی عبری است و معنی آن «مجد» است و او از فرزندان «اشیر بن صوفح» است و او اولین کسی است که به زبان عربی تکلم کرد.

لازم به یادآوری است که مفسر از روایات اسرائیلی شدیداً پرهیز داشته و در تفسیر خود هیچ استفاده‌ای از آنها نکرده است.

ه) مجلات و نشریات و المبین

صاحب المبین از مجلات و نشریات مختلف مطالبی را که جنبه علمی و اسلامی دارند نقل کرده و در تطبیق تفسیر آیات با مسایل متنوع عصر حاضر به آنها استناد کرده است که برخی از مطالب آن بسیار جالب به نظر می رسد. به عنوان نمونه در تفسیر آیه ۳۸ سوره یونس که در مقام تحدی می فرماید: «ام یقولون افتراه قل فاتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله» آمده است: در یک مجله مصری، به شماره ۲۲۵۴ مورخه ۱۰/۲/۱۹۷۸ خواندم که جیمی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا با یکی از قاریان مشهور قرآن ملاقات کرده و از او خواست که آیاتی از قرآن به صورت ترتیل برای او قرائت کند و این قاری بزرگ مجموعه کاملی از آیات تحدی قرآن را به صورت ترتیل برای او قرائت کرد. ۲۰ که انتخاب موضوع آیات از طرف قاری قرآن بسیار مناسب داشته است.

همچنین پس از بیان تفسیر آیه ۸۴ سوره اسراء که می فرماید: «قل کل يعمل علی شاکلته» می گوید: در مجله الحوادث السیروتیه مورخه ۱۰/۲/۱۹۷۸ مطلبی درج گردیده است و آن این است که دانشمندان و پزشکان به جزئیات ویژه‌ای از خون انسان به وسیله دستگاه‌های الکترونیکی دست یافته اند و برای آنها روشن شده است که همان طور که خطوط انگشتان هر انسانی با خطوط انگشتان انسان دیگر تفاوت دارد، ترکیبات خونی هر انسانی با ترکیبات خونی انسان دیگر متفاوت است. بدون تردید نوع خون انسان تأثیر بسیار زیادی در تصرفات انسان دارد. ۲۱

در پایان این بحث به ذکر عناوین مجلات و نشریات مهم که مفسر گران قدر از آنها در تفسیر خود استفاده کرده است می پردازیم: الف) مجله عالم الفكر الكويتی، ب) مجله الکاتب المصری، ج) جریده اخبار الیوم المصری، د) مجله الحوادث البروتیه، ه) مجله العربیه بالازهر.

ز) کتب متفرقه و المبین

مفسر ارجمند، علاوه بر منابعی که ذکر شد از کتب مختلفی که مطالب مفیدی جهت استفاده تفسیری در دسترس داشته است استفاده کرده است که به ذکر عنوان آن کتب اکتفا می کنیم:

۱. تاریخ بنی اسرائیل، محمد عزة دروزه ۲. التكامل فی الاسلام، احمد امین العراقی
۳. الرحلة المدرسية، محمد جواد بلاغی ۴. سيرة ابن هشام ۵. الفتوحات، ابن عربی ۶. فن الأدب، توفیق حکیم ۷. فی ظلال نهج البلاغه، محمد جواد مغنیه ۸. محمد رسول الله بشارت الانبياء، محمد عبدالغفار ۹. مرآة الاسلام، طه حسین ۱۰. الهيئة والاسلام، شهرستانی .

۱. الشيعة والتشيع / ۱۱۷ .

۲. اعيان الشيعة، ۲۰۵/۹ .

۳. همان .

۴. نهج البلاغه، خ ۱۳۳ .

۵. اعيان الشيعة، ۲۰۵/۹ .

۶. جعفر سبحانی، مقدمه تفسیر تبیان / ۲۳۴ .

۷. المبین / ۶۴۴ .

۸. همان / ۸۲۶ .

۹. عمید زنجانی، روشهای تفسیری قرآن / ۱۹۱ .

۱۰. المبین / ۳۴۰ .

۱۱. همان / ۶۸ .

۱۲. همان / ۱۷۷ .

۱۳. همان .

۱۴. همان / ۲۶۱ .

۱۵. همان .

۱۶. همان / ۲۴۳ .

۱۷. همان / ۱۰۳ .

۱۸. همان / ۴۰۶ .

۱۹. همان / ۵۹۱ .

۲۰. همان / ۲۷۲ .

۲۱. همان / ۳۷۶ .

پیشگام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* یادآوری: با پوزش از خوانندگان گرامی که در انتظار بخش دوم مقاله خروش عدالت (معرفی بُعد قرآن پژوهی استاد حکیمی) بودند، إنشاء الله در شماره آینده بدان خواهیم پرداخت.